



بررسی حقوق شهروندی زنان بر مبنای آموزه‌های فقه شیعی

ولی الله صفری^۱

سید محمدرضا آیتی^۲

اصغر عربیان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸

چکیده

شمولیت حقوق شهروندی برای زنان موضوع مهمی است که به خاطر جذابیت، منشاء مباحثی جدی برای مکاتب مختلف بوده است. در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات مرتبط از متون فقهی، رویکرد اسلام در مقوله حقوق شهروندی زنان مورد کنکاش و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل نشان می‌دهد حقوق شهروندی زنان در اسلام شامل سه بعد حقوق اولیه، اجتماعی و زناشویی است. همچنین تبعیض مثبت به نفع زنان عنوان یکی از شیوه‌های سیاستگذاری اجتماعی در تعالیم اسلامی راهکاری برای جبران رویه‌های تبعیض آمیز و تحقق حقوق شهروندی زنان است. شبهات وارد بر رویکرد فقه شیعی در برابری حقوق زن و مرد از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از مکاتب اومانیستی بین شباهت و برابری حقوقی تمایزی قابل نیستند. این مساله را می‌توان در مسایل مختلفی چون ارث، قصاص، شهادت و گواهی، طلاق، قضاوت و مرجعیت تحلیل نمود. به‌علت برتری رویکرد اسلامی، در تدوین منشور حقوق شهروندی زنان می‌توان از آموزه‌های اسلامی بهره گرفت و آن را به عنوان الگویی برای مکاتب حقوقی معرفی نمود.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، زنان، اسلام، فقه شیعه، قرآن کریم.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. safari261@yahoo.com
^۲ استادگروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول): smrayati@yahoo.com
^۳ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد مشاور): a.arabian42@gmail.com

۱- مقدمه

درباره حقوق زنان همیشه تردیدها و پرسش‌های جدی وجود داشته‌است که پاسخگویی به آنها دغدغه فکری بسیاری از مکاتب اجتماعی بوده‌است. یکی از مفاهیم کلیدی در این ارتباط مفهوم «شهروندی» است. در بیشتر منابع، تعریف شهروندی به تی.اچ. مارشال^۱ نسبت داده می‌شود. او گسترش این حقوق را دستاورد شهروندی جهانشمول و حقوق برابر همه شهروندان، صرف نظر از طبقه اجتماعی- اقتصادی می‌دانست (نش، ۱۳۹۴).

از دیدگاه مارشال، شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که به موجب آن، تمام اعضا از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند (مارشال، ۱۹۶۴). مارشال حقوق شهروندی را دربردارنده سه نوع حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌دانست (نش، ۱۳۹۴) مارشال در تقسیم‌بندی خود از حقوق شهروندی، نوعی توالی زمانی و تکاملی از مدنی به سیاسی و سپس اجتماعی می‌دانست (اوکونر^۲، ۲۰۱۵: ۵۰۳). هرچند مفهوم شهروندی دربردارنده ایجاد ظرفیت برای مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی است، اما اعتقاد بر این است که این نظریه تحول حقوق شهروندی مردان سفید طبقه متوسط بوده که در این مسیر حقوق زنان در نظر و عمل نادیده گرفته شده‌است (پاسکال^۳، ۱۹۸۶: ۹).

در این راستا مکاتب غربی مبتنی بر اومانیسم به ویژه فمینیسم با رویکرد انتقادی، مکاتب دینی به ویژه اسلام را نیز متهم به نادیده گرفتن حقوق شهروندی زنان می‌کنند. این تلقیات مسموم در دوران کنونی با ظهور قرائت انحرافی از اسلام که گروه‌های تروریستی مانند طالبان و داعش و مشابه آن‌ها داعیه‌دار آن در سطح جهانی بودند همزمان شده‌است که در قالب دین با برخوردهای خشونت‌آمیز، منع حقوق و فعالیت‌های اجتماعی زنان را توجیه می‌کنند. هرچند قرائت سنتی از فقه و حقوق اسلامی، قادر نیست نظام زبان‌شناختی سنت را به درستی بشناسد و در فهم ماهیت و سیاست امروز از محدوده وصفی و قیاسی فراتر نمی‌رود (شاخت، ۱۳۸۸: ۲۱۰)؛ اما حقوق اسلامی متکی بر فقه پویا، حقوقی به روز و کارآمد است و این توانایی را دارد که به نیازهای جامعه متناسب با تغییرات اجتماعی پاسخگو باشد. با رشد یافتن فقه پویا، دروازه نگرش‌های فردی و اجتماعی به نیازهای آدمی به صورت همزمان و مقارن همدیگر گشوده شده‌است. برخی عوامل پویایی فقه درونی و مربوط به کار مجتهد، با توجه به مبادی و منابع فقه

¹ Marshal.H.T

² O'Connor, Julia S

³ Pascal, G.

و خصوصیات انعطاف‌پذیر کتاب و سنت و به کارگیری عقل به عنوان منبعی برای استنباط احکام می‌شود. اما در این میان عامل زمان و مکان که ظرف تحقق فقه پویاست، و نیز عامل حکومت به عنوان عوامل بیرونی پویایی فقه موثر هستند (فیض، ۱۳۸۷: ۹۷). این پویایی فقه می‌تواند پاسخگوی نیازهای روز به روز به ویژه در ارتباط با حقوق شهروندی زنان باشد و این پژوهش نیز با اتکای بر همین خصلت فقه شیعی به انجام رسیده‌است.

از آنجا که زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه در سرنوشت جامعه نقشی تاثیرگذار دارند، انجام پژوهش درباره حقوق شهروندی زنان، اهمیت زیادی دارد. با توجه به تحولات اجتماعی و گسترش رسانه‌ها، طرح مسایل زنان شتاب و گستره‌ای بیشتر یافته‌است. این مسایل به بستری برای ایجاد شائبه، شبهه و هجمه در جهت دوری نسل جوان از دین اسلام و برتری جویی سایر مکاتب تبدیل شده‌اند. بر این اساس لازم است برای دفاع از کیان اسلامی، اندیشه اصیل اسلامی معرفی شود و برتری‌های آن بر دیگر مکاتب در تحلیل‌ها نمایان شود.

۱) این پژوهش بر اساس این فرض کلیدی انجام یافته‌است که حقوق شهروندی زنان قبل از اندیشه غربی در اندیشه اسلامی دارای جایگاه قابل توجهی بوده‌است و این امر مورد توجه فقه اسلامی بوده‌است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد با وجود غنای ادبیات در این حوزه، درباره حقوق شهروندی زنان در فقه شیعی پژوهشی صورت نگرفته‌است. بر این مبنا، پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی مبانی و دیدگاه‌های مرتبط با حقوق شهروندی در اندیشه‌های غربی و مبانی فقه شیعی، جایگاه این مفهوم و مولفه‌های برآمده از آن را در ساختار اجتماعی اسلام تشریح نماید و با تعمیق در آن به پاسخ پرسشهای بنیادین زیر دست یابد:

- ✓ مفهوم حقوق شهروندی زنان در فقه اسلامی چه جایگاهی دارد و چه ابوابی از این حقوق مورد توجه فقه اسلام بوده‌است؟
- ✓ آیا فقه اسلامی حقوق شهروندی زنان را همانند حقوق غربی به رسمیت شناخته و به طور یکسان به کار گرفته‌است؟

۲- مبانی نظری

برای تشریح «حقوق شهروندی زنان» لازم است سه مفهوم حقوق، شهروندی و شهروندی زنان و ارتباط آن‌ها با همدیگر تشریح شود.

فیتزپتریک معتقد است شهروندی بر دو شرط مبتنی است: اول دولت باید تکثرگرا و دموکراتیک باشد، زیرا دولت‌های دیکتاتوری و سلطنتی شهروند ندارند، دارای رعیت یا تبعه هستند؛ دوم جامعه مدنی باید باز و آزاد باشد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۲۱).

تعریف ما از حقوق شهروندی از رویکرد ما به حقوق تاثیر خواهد گرفت. در این میان دو رویکرد اصلی مطرح بوده است.

الف- حقوق را در آغاز پدیده‌ای طبیعی تعریف می‌کردند، یعنی موهبتی که از سوی طبیعت یا قانون طبیعت نصیب آدمیان شده است. بر این اساس اولاً "انسانها موجوداتی صاحب حق هستند و داشتن این حق آن‌ها را از موجودات غیرانسانی متمایز می‌کند. دوم اینکه حقوق بر نظام‌های قانونی، سیاسی و اجتماعی مقدم است.

ب- در مقابل برخی بر این اعتقاد بودند که حقوق مقوله‌ای وضع شده یا نهادی است.

اما صرف نظر از این دو رویکرد، حقوق باید در سراسر زمان‌ها و مکان‌ها جنبه عام و فراگیر داشته و انتقال ناپذیر باشد؛ حقوق دال بر خودمختاری و متعلق به افراد است؛ حقوق از افراد در برابر استفاده نامشروع و خودسرانه از قدرت حمایت و مقامات عمومی را به تخصیص عادلانه منابع و کالاها به افراد موظف می‌کند؛ حقوق به عدالت و تکالیف مربوط می‌شود (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۲).

از دیدگاه مارشال حقوق شهروندی در بردارنده سه نوع حقوق است:

حقوق مدنی: حفظ آزادی‌های فردی شامل آزادی شخص، آزادی بیان، اندیشه و عقیده، حق مالکیت شخص، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت.

حقوق سیاسی: حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار سیاسی و یا به عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن.

حقوق اجتماعی: از نظر مارشال «شهروندی اجتماعی» را می‌توان مجموعه‌ای از حق دسترسی به رفاه اقتصادی، امنیت اجتماعی و یک زندگی مناسب با توجه به استانداردهای غالب در جامعه تعریف کرد (مک کلین^۱ و جوآنا^۲، ۲۰۰۹: ۲۳۶).

¹ McClain, Linda C

² Joanna L. Grossman

حقوق شهروندی بر مبنای جنسیت: بعد جنسیت به طور سنتی از نظریه‌های شهروندی غایب بوده‌است. این موضوع ریشه در رویکردی قدیمی دارد که در آن شهروندی به مردان و حوزه عمومی اختصاص داشته‌است؛ بر این اساس وقتی زنان در حوزه خصوصی قرار گیرند، ارتباط آنها با ویژگی‌ها و فضیلت‌های مفروض شهروندی متزلزل می‌شود. با توجه به آنکه اشتغال دستمزدی مظهر مهم‌ترین راه دسترسی به شهروندی کامل است و نظر به اینکه وظایف مراقبت و کدبانوگری هنوز هم عمدتاً^۱ بر دوش زنان است، جای شگفتی نیست که شهروند-کارگر هنوز هم در قالب خصوصیات مردانه توصیف می‌شود. هرچند حقوق رسمی شهروندی به همه افراد اعطا شده‌است و به طور کلی جنسیت در این میان نقشی ندارد، اما این نابرابری‌ها در فرصت‌ها و قدرت، هنوز هم زنان را در حال شهروندان درجه دوم قرار می‌دهد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

این پیش‌داوری علیه زنان در نظریه، گفتار و عملکرد شهروندی در سال‌های گذشته در معرض حملات مداوم مفسران فمینیست قرار داشته‌است (ووگل^۲، ۱۹۹۱؛ بوسمیکر^۳، ووئت^۳، ۱۹۹۹). در واقع برخی از این‌ها به آنجا پیش رفته‌اند که مدعی شدند مفهوم شهروندی دستخوش سوگیری به نفع مردان است و بنابراین اگر فمینیست‌ها بخواهند وارد این حوزه مردانه شوند وقت خود را تلف می‌کنند. برخی دیگر استدلال کرده‌اند که هرچند سیاست‌ها، خط مشی‌ها، و عملکردهای ناظر بر شهروندی باید عوض شود، خود مفهوم می‌تواند بر جا بماند. در هر حال، تاکنون وقت و تلاش زیادی صرف کوشش برای بازسازی مفهوم شهروندی شده‌است. برخی تلاش کرده‌اند تا این مفهوم را در ارتباط با جنسیت بی طرف سازند، و برخی دیگر تاکید داشته‌اند که هرچند شهروندی نمی‌تواند جنسیت‌زدایی شود، وجوه مردانه و زنانه آن را می‌توان در نوع مناسبات متقابل و سازنده گرد هم آورد. نظریه‌های روت لیستر (۱۹۷۴) و نانسی فریزر (۱۹۹۷) از جمله تلاش‌هایی در جهت ترمیم مفهوم شهروندی بر مبنای جنسیت و حقوق زنان است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۹).

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی با روش کتابخانه‌ای است که با بررسی متون فقهی و روایی با روش توصیفی-تحلیلی انجام یافته‌است. در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات معتبر، متون

¹ Vogel, U.

² Bussemaker, J.

³ Voet, R.

فقهی شیعی جهت استخراج رویکرد اسلام نسبت به حقوق شهروندی زنان مورد کنکاش قرار گرفت.

۴- یافته‌های پژوهش

اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی در درون خود تمام قواعد، سنت‌ها، ایده‌آل‌های بشری را برای تحقق حقوق شهروندی دارد. مسئولیت و حقوق شهروندان اسلامی در حدیث نبوی «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (مجلسی، ۱۳۷۳: ۳۸) مشهود و در بردارنده همه شهروندان فارغ از نوع جنسیت و دین و مذهب و بیانگر رابطه دو طرفه است. پیامبر اکرم در خصوص مسئولیت شهروندان در جامعه اسلامی در قبال همدیگر می‌فرماید: هر کس شب را به صبح برساند در حالی که به امور مسلمین اهتمام ندارد از مسلمانان نیست (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۶۳). در این نظام حقوقی، دعوت به همکاری در کار خیر و عدم تعاون بر گناه و زشتی نشان دهنده اهمیت و جایگاه مشارکت جمعی در سرنوشت جامعه است (میرباقری طباطبایی مهرآبادی، و خزائی، ۱۳۹۷: ۱۴۷).

در نظام حقوقی اسلام ضمن همزمانی حق و تکلیف، ضمانت اجرای تکلیفی و شرعی در دو بعد بیرونی و درونی نیز وجود دارد. بعد درونی این ضمانت‌ها مبتنی بر باور اعتقادی و قلبی به خداوند در امور زندگی از هر نوع ضمانت اجرای بیرونی قوی‌تر و تاثیرگذارتر است.

تاکید اسلام بر تحقق انتظارات خود از شهروندان از طریق تربیت و درآمیختن حقوق با اخلاق و نیز در آمیختن آگاهی و شعور اجتماعی با تقوا، آزادی با عدالت، پرسشگری با بی‌غرضی، مدارا با انصاف و نیز پاسخگویی با حسن ظن است. در سایه چنین نگاهی است که مسئولیت تک‌تک شهروندان مسلمان نسبت به مصالح عموم و فرد فرد همشهریان خود، کانونی‌ترین نقش را در تعریف و تحقق مفهوم شهروندی دارد و اسلام این معنا را با تاکید بر مفهوم «ولایت متقابل شهروندان بر یکدیگر» مورد تنفیذ قرار داده، به گونه‌ای که پابندی به این تکلیف اساساً شرط ایمان است.

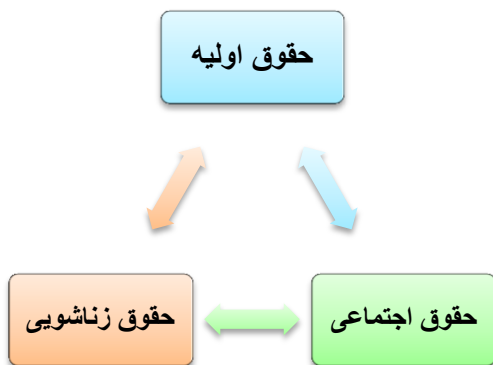
کاوش در آیات و روایات و سیره معصومان مبین توجه هدفمند دین مبین اسلام و مذهب شیعه به آسایش و آرامش دنیوی و سعادت اخروی هر شهروند است. مفهوم حقوق شهروندی در اندیشه نظریه‌پردازان مسلمان به رسمیت شناخته شده است. شهروندی در پیشینه فرهنگ اسلامی همواره در سایه توجه به حقوق بشر منعکس شده و تاسیس نهاد اجتماعی «امر به معروف و نهی از منکر» و تاکید بر نهادها و سازوکارهایی همچون «حق الناس» در جهت صیانت از هنجارهای

خاص جامعه اسلامی و حراست از حقوق شهروندی بوده است (میرباقری طباطبایی مهرآبادی، و خزائی، ۱۳۹۷: ۱۴۹).

با در نظر گرفتن دیدگاه کلی اسلام نسبت به شهروندی، به صورت اختصاصی به ابعاد حقوق شهروندی زنان در اسلام می‌پردازیم.

۴-۱ ابعاد حقوق شهروندی زنان در اسلام

تحلیل محتوای آیات قرآنی با محوریت حقوق شهروندی زنان نشان می‌دهد که این حقوق شامل سه بعد حقوق اولیه، اجتماعی و زناشویی است. این ابعاد سه‌گانه، با دسته‌بندی قوانین به دو دسته ثابت و متغیر در فقه و حقوق اسلامی نیز متناظر هستند. قوانین ثابت اسلامی را می‌توان سرچشمه حقوق اولیه و قوانین متغیر اسلامی را سرچشمه حقوق اجتماعی و حقوق زناشویی دانست. این حقوق در رابطه دیالکتیکی با یکدیگر هستند و وجود یکی بدون ارتباط با دیگری معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا نمی‌کند. در زیر به بررسی هر کدام از ابعاد و شاخص‌ها با مستندات قرآنی آنها می‌پردازیم.



شکل ۱: رابطه دیالکتیکی سه بعد حقوق شهروندی زنان از دیدگاه اسلامی

۴-۱-۱ حقوق اولیه

این حقوق مبتنی بر آفرینش و مشخصات ویژه انسان ثابت و همیشگی است و با گذشت زمان از انسان سلب نمی‌شود. این حقوق فارغ از جنسیت درباره تمام انسان‌ها مصداق دارد؛ اما

تاکید اسلام بر این حقوق درباره زنان به علت سنت طولانی سلب این حقوق از آنها می‌باشد. این حقوق شامل حق حیات و زندگی، حق تکریم و شخصیت، و حق آزادی است.

حق حیات و زندگی: از دیدگاه قرآن، دختران و زنان نیز همانند مردها حق حیات و زندگی دارند و کسانی که حق حیات را از آنها می‌گیرند در دادگاه عدل الهی باید پاسخگو باشند؛ «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر: ۹)؛ سوال می‌شود که به کدام گناه دختران را زنده به گور کردید؟

حق تکریم شخصیت: از دیدگاه قرآن، حق تکریم و شخصیت فرجنسیتی است؛ اما با توجه به سنت‌های غلط گذشته، قرآن بر این حق زنان نیز تأکید دارد. قرآن می‌فرماید: «لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ...» قومی قومی دیگر را مسخره نکند. شاید آن کسی که تو او را مسخره می‌کنی از تو بهتر باشد. بعد می‌فرماید: «وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ» (حجرات: ۱۱). زنی هم حق ندارد زنی را مسخره کند. شخصیت هر کسی محترم است.

۴-۱-۲ حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، حفظ آبرو و کرامت انسانی، حق نظارت اجتماعی، و حق الگو بودن می‌شود.

حق آموزش: حق برخورداری از آموزش در اسلام مبنای جنسیتی ندارد و همه انسان‌ها فارغ از نوع جنسیت از این حق برخوردار هستند. بر این اساس از نظر اسلام زن‌ها حق دارند آموزش ببینند؛ کسب دانش بر هر مرد و زنی فریضه است (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۷۶).

حق الگو بودن در جامعه: زنان نیز همانند مردان این حق را دارند که در جامعه به عنوان الگو و سرمشق مطرح شوند. بر این اساس قرآن همانگونه که حضرت ابراهیم را به عنوان الگوی تاریخی مطرح می‌کند حضرت مریم را نیز مصداق تجلیل در تاریخ قرار می‌دهد: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ» (مریم: ۴۱)؛ «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ» (مریم: ۱۶).

حق الگو بودن زن همپای مرد، نه فقط در تاریخ بلکه در زندگی جاری و در تعاملات روزمره نیز به رسمیت شناخته شده است؛ «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ» (تحریم: ۱۱)؛ خدا برای تمام زنان و مردان تاریخ نمونه بیان کرده است. این نمونه «زن فرعون» است.

حق حفظ آبروی اجتماعی: حفظ حرمت و احترام انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی دارای اهمیت است، اما خدا برای زنان حساب جداگانه باز کرده، می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِيَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۲۳)؛ آن‌هایی که به

زنان پاکدامن تهمت می‌زنند، در دنیا و آخرت از رحمت حق به دور هستند. حق نظارت اجتماعی: زن‌ها همپای مردها حق نظارت اجتماعی دارند؛ بر این اساس آنها می‌توانند دیگران را از کارهای زشت نهی و به کارهای نیک دعوت نمایند. قرآن می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱). بر این اساس تمام مردان و زنان با ایمان، همه بر هم ولایت دارند و می‌تواند همدیگر را فراغ از جنسیت امر به معروف و نهی از منکر کنند.

۴-۱-۳ حقوق زناشویی

در مکاتب مبتنی بر اومانیسم از حقوق زناشویی به عنوان بعد مهم حقوق شهروندی غفلت شده‌است. به عبارت دیگر هرچند حقوق رسمی شهروندی به همه افراد اعطا شده‌است اما نابرابری‌ها در فرصت و قدرت زنان را شهروندان درجه دوم قرار می‌دهد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱). مکتب اسلام جنسیت را به عنوان عاملی مهم در جهت استیفای حقوق شهروندی زنان به کار می‌گیرد. حقوق شهروندی زنان در بعد زناشویی شامل حق مسکن، نفقه، مهریه و طلاق است.

حق مسکن: حق مسکن به عنوان حق داشتن محل زندگی و پناهگاه مناسب در بسیاری از قوانین اساسی ملت‌ها و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته و مورد توجه و حمایت ادیان و جوامع بشری بوده و در جهت حفظ حرمت آن تلاش‌های زیادی شده‌است (سلطانی‌وش، ۱۳۸۱). اسلام نیز بر این حق تاکید زیادی داشته‌است. قرآن می‌فرماید: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ» (طلاق: ۶). بر این اساس مکتب اسلام با تبعیض جنسیتی در حق مسکن مخالفت نموده‌است.

حق نفقه: در دوران ماقبل تاریخ، نفقه زن معنی نداشت بلکه در رواج مادرسالاری زن صاحب اصلی خانواده و فرزندان بود، اما با رواج پدر سالاری، نیاز زن به امکانات مناسب برای زندگی و نیازهای فردی او بیشتر شد که این نیازها توسط خود زن و نیز توسط مرد و یا هر دو، برآورده می‌شد. با ظهور ادیان الهی و بالاخص اسلام برای استحکام پایه‌های خانواده، ریاست این گروه بر عهده مرد نهاده شد و قانونگذار او را موظف به تامین معاش خانواده نمود. پس حق نفقه ریشه شرعی دارد، نه قراردادی (اسدالهی، ۱۳۸۶). قرآن کریم می‌فرماید: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ...» (طلاق ۷)؛ هر مردی باید نفقه همسرش را به اندازه توانایی خود بدهد.

حق مهریه: از جمله حقوق زنان، در عرصه خانواده و اجتماع، حقوق مالی آنان در امر ازدواج است. مهر از احساسات رقیق و عطوفت آمیز مرد ناشی شده، نه از احساسات خشن و مالکانه او، آنچه از ناحیه زن در این امر دخالت داشته، حس خودداری مخصوص او بوده نه ضعف و بی اراده بودن او. مهر، تدبیری است از ناحیه قانون خلقت برای بالابردن ارزش زن و قراردادن او در سطح عالی تری. مهر به زن شخصیت می دهد. ارزش معنوی مهر برای زن بیش از ارزش مادی آن است (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۰۹). اسلام مهریه را به عنوان پشتوانه محکم حقوق اجتماعی زن تبیین کرده است در حالی که در عصر جاهلیت هیچگونه حقوق مالی و ارزش معنوی برای زنان قائل نبودند. لذا قرآن کریم رسوم جاهلیت را درباره مهر منسوخ کرد و آن را به حالت اولی و طبیعی برگردانید. تعبیری که قرآن از مهریه نموده صداقت است که ضمن بار حقوقی، پایه‌ای اخلاقی دارد، زیرا موید صداقت و ابراز وفاداری زوج در برابر زوجه است، که آن را به عنوان هدیه و پیشکش به زن تقدیم می کند (آناهد، ۱۳۸۶).

قرآن می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنَّ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (نساء: ۴)؛ مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک عطیه (الهی) به آنان بپردازید ولی اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند حلال و گوارا مصرف کنید.

فلسفه مهریه از دیدگاه اسلام اینست که مهریه وسیله‌ای برای لذت بخش نمودن زندگی و عامل قوی برای الفت بین زن و شوهر است؛ از سوی دیگر، مهریه جبران نقص ارث زن و وسیله‌ای برای تامن زندگی آینده او و جلوگیری از طلاق‌های بی‌مورد و اهرمی برای سرکوبی تمایلات نفسانی مرد و اثبات پایداری و علاقه مرد به اتحاد با زن مقرر گردیده است (آناهد، ۱۳۸۶).

امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «گروهی بر حسین بن علی (ع) وارد شدند و عرض کردند: ای فرزند رسول خدا! در منزل شما چیزهایی را مشاهده می‌کنیم که ناپسند ما است و این در حالی بود که در خانه حضرت فرش‌ها و پرده‌ها بود. حضرت فرمود: همانا ما با زن‌ها ازدواج می‌کنیم و به آن‌ها مهرهایشان را می‌پردازیم. آنها آنچه را می‌خواهند تهیه می‌کنند، و برای ما از آن چیزی نیست.» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۶: ۴۷۶)

بهره مندی از طلاق در موارد خاص: هر چند واگذاری حق طلاق به مردان در شرایط طبیعی منطقی‌ترین راهکاری است که در نظام حقوقی اسلام و در راستای تحقق عدالت و به منظور صیانت از جایگاه والای خانواده در نظام اجتماعی ارایه شده است؛ با اینهمه وجود حق فسخ برای زنان در مواردی خاص و نیز مشروعیت اخذ وکالت برای زنان از طریق شرایط ضمن عقد و همچنین مشروعیت طلاق زن از طریق محاکم قضایی در موارد اضطراری از قبیل افتادن زن در

عسر و حرج، و استنکاف یا عجز شوهر از پرداخت نفقه زن و یا مفقودالاثر شدن شوهر و ... از جمله راهکارهایی است که در نظام حقوقی اسلام ارایه شده و مانع آن خواهد بود که مردان بتوانند از حق طلاق برای خویش استفاده ابزاری نموده و یا آن را زمینه‌ای برای اعمال فشار و یا سلطه بی‌چون و چرا برای زنان قرار دهند (فلاح احمدچالی، ۱۳۸۶)

بر این اساس قرآن به رعایت حقوق زنان در طلاق تاکید کرده است: اگر نمی‌توانید با زن‌ها سازش کنید طلاقشان بدهید: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فِيمَا سَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹)؛ یعنی طلاق (طلاق) که رجوع و بازگشت دارد) دو مرتبه است (و در هر مرتبه) باید به طور شایسته همسر خود را نگهداری کند (و آشتی نماید) یا با نیکی او را رها سازد.

حق محبت همسر: زنان این حق را دارند که از محبت همسر خویش بهره‌مند شوند. امام صادق (ع) می‌فرماید: بنده هر قدر که محبتش نسبت به زنانش بیشتر باشد فضیلتش در ایمان بیشتر است (مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۱۰۳: ۲۲۸).

در مکتب اسلام نیکی به اهل، معیار برتری ایمان تلقی شده است. پیامبر (ص): نزدیک‌ترین شما به من از حیث جایگاه در روز قیامت، نیکوترین شما به اهل بیت خود است. «(عامر طائی، ۱۴۰۸ق: ۶۷). و نیز فرمود: نیکوترین مردم از حیث ایمان مهربان‌ترین آنان به اهل بیت خود است (حر عاملی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۲: ۱۵۳).

ایشان همچنین به مدارا با زنان بد اخلاق تاکید نموده‌اند: «هرکس بر اخلاق بد زنی صبر کند و اجر آن را [نزد خدا] به حساب آورد، خداوند او را ثواب شاکران خواهد داد» (مجلسی، ۱۳۷۳: ج ۷: ۱۲۴).

ریزینی مکتب اسلام درباره حقوق زنان به حدی است که حتی بر شیوه محبت آمیز غذا خوردن همسر در سر سفره نیز اشاره نموده است. پیامبر (ص) فرمود: «مؤمن به خواست و میل اهل بیتش غذا می‌خورد، ولی اهل بیت منافق به خواست و میل او غذا می‌خورند.» (مجلسی، ۱۳۷۳: ج ۶۹: ۲۹۱).

جدول ۱: ابعاد سه گانه حقوق شهروندی زنان و مستندان روایی و قرآنی آنها

نوع حقوق	بعد حقوق شهروندی	مستندات قرآنی و روایی
حقوق اولیه	حیات	تکویر: ۹
	شخصیت	حجرات: ۱۱

نوع حقوق	بعد حقوق شهروندی	مستندات قرآنی و روایی
حقوق اجتماعی	آموزش	حلی، ۱۴۱۰ ق: ۱۷۶/۲
	آبرو	نور: ۲۳
	نظارت اجتماعی	توبه: ۷۱
حقوق زناشویی	الگو بودن در جامعه	مریم: ۱۶ و ۴۱، تحریم: ۱۱
	طلاق در موارد خاص	بقره: ۲۲۹
	مسکن	طلاق: ۶
	نفقه	طلاق: ۷، حر عاملی، ۱۴۰۱ ق، ۲۲۷/۱۵
	مهر	نساء: ۱۹ و ۴
	حق محبت	مجلسی، ۱۳۷۳: ج ۱۰۳: ۲۲۸؛ عامر طائی، ۱۴۰۸ ق: ۶۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۲: ۱۵۳؛ مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۷: ۱۲۴؛ مجلسی، ۱۳۷۳، ج ۶۹: ۲۹۱

۴-۲ حقوق زنان در شیوه رفتاری و عملی پیامبر

با تعمیق در زندگی و سیره عملی و نظری پیام اکرم(ص) حقوق شهروندی زنان را می‌توان در موارد زیر مورد بررسی قرار داد:

۴-۲-۱ حق احترام و تکریم

یکی از آموزه‌های رسول خدا(ص) که به صورت‌های مختلف در سخن و سیره ایشان تکرار شده، اعتقاد به کرامت زن است. رسول خدا (ص) فرمود: «جز کریمان زنان را تکریم نکنند و جز انسان‌های پست زنان را تحقیر نمایند.» (بدران، ۱۴۰۷ ق: ۵۰).

همچنین ایشان فرمودند: «بهترین شما خوش خلق‌ترین شما با زنانند» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۳۹۲). و «هر کس همسری گزید، وی را تکریم کند.» (نوری طبرسی، ۱۴۱۱ ق: ۲۴۹).

رسول خدا (ص) علاقه‌مندی به زنان را یکی از هفت خصلت اختصاصی خاندان خویش می‌داند که پیشینیان آن را نداشتند و پسینیان نیز نخواهند داشت. هم‌چنین ایشان فرمود: «هر چه آدمی ایمانش افزایش یابد، علاقه‌اش به زنان بیشتر گردد.» (نوری طبرسی، ۱۴۱۱ ق: ۲۴۹).

تکریم زنان را به صورت عینی در سیره پیامبر در تعاملات ایشان با دختر و همسران ایشان می‌توان دید. از عایشه پرسیدند: محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا (ص) چه کسی بود؟ گفت:

فاطمه (س) (اربلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۸۸). علاقه ایشان به دخترشان به حدی بود که وقتی می‌خواست به سفر برود، آخرین وداعش با فاطمه (س) بود، وقتی هم از سفر برمی‌گشت اول به ملاقات فاطمه (س) می‌رفت (الطبری، ۱۹۷۴م: ۳۷). همچنین رسول اکرم (ص) با همسران خود به عطوفت و عدل رفتار می‌کرد و ترجیح بین آنها قائل نمی‌شد و در مسافرتها به هر کدام از آنها قرعه اصابت می‌کرد، او را همراه خود می‌برد (البخاری، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۳۴). در منابع اهل سنت نیز از عایشه نقل شده که رسول خدا با رفتاری نرم و مهربان، تندخوئی و بدزبانی همسران خود را تحمل می‌کرد (العقاد، ۱۳۵۸: ۱۳۴).

۴-۲-۲ حق انتخاب و اختیار در ازدواج

با وجود اهمیت و سفارش ازدواج در اسلام، این سنت نبوی بدون رضایت و اختیار زن امکانپذیر نیست. به نقل روایتی از ابوسلمه، پیامبر ازدواج اجباری زن بیوه‌ای را که با فشار پدر انجام یافته بود باطل اعلام نمود و به زن تاکید نمود که با آن کس که دوست دارد ازدواج کند (بو داود، ۲۰۰۰، ج ۲: ۲۳۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۲، ج ۱۰: ۲۳۷). بر این اساس در فقه شیعه تصمیم‌گیری در ازدواج زن غیرباکره به عهده خودش می‌باشد.

۴-۲-۳ حق حفاظت از خشونت

رسول خدا فرمود: «هر مردی که بر زنش صدمه‌ای وارد کند، خداوند به نگرهبان آتش دستور می‌دهد که بر گونه او هفتاد ضربه در آتش دوزخ وارد سازد. هر مرد مسلمانی که به گیسوی زن مسلمانی چنگ زند، دست او با میخ‌های آتشین کوبیده خواهد شد» (ابن ماجه، ۱۴۳۵ق، ج ۱: ۶۳۸-۶۳۹).

۴-۲-۴ حق برخورداری از مشورت

رسول خدا (ص) با سخن، تأیید و عمل بر مشورت با زنان در امور مختلف مانند ازدواج و برخی مسائل خانوادگی دیگر، فرمان داده‌است. از رسول خدا (ص) نقل شده‌است: «با زنان در مسئله ازدواج‌شان مشورت کنید» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶: ۳۱۳؛ بیهقی، بی تا، ج ۷: ۱۲۳).

۴-۲-۵ حق مشارکت در مسائل سیاسی-اجتماعی

اسلام در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز، برای زن شخصیت مستقل حقوقی قائل است. دخالت زن را مانند مرد در تمام فعالیت‌های اجتماعی و شئون سیاسی جایز می‌داند. مشارکت زنان در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، هجرت و دیگر فعالیت‌های اجتماعی هم پای مردان در عصر رسالت، دلیل احترام پیامبر (ص) به حقوق و مقام زنان در حوزه عمومی است. زنان در بیعت‌های پیامبر (ص) با مسلمانان حضور داشته‌اند که بیعت عقبه از همه مشهورتر می‌باشد (آیتی، ۱۳۶۲: ۳۲۴ و ۳۲۶). در صلح حدیبیه و فتح مکه نیز زنان با پیامبر(ص) بیعت نمودند که «ابن سعد» ۴۸۰ نفر از آنها را نام می‌برد (کاتب واقدی، ۱۳۸۲، ج ۸: ۱-۴). آیه ۱۲ سوره ممتحنه نیز به این مساله پرداخته‌است.

جدول ۲: ابعاد حقوق زنان از دیدگاه پیامبر و مستندات روایی آن‌ها

مستندات روایی	ابعاد حقوق زنان از دیدگاه پیامبر
بدران، ۱۴۰۷ق: ۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۲؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۴: ۳۴۹؛ نوری طبرسی، ۱۴۱۱، ج ۱۴: ۲۴۹؛ اربلی، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۸۸؛ الطبری، ۱۹۷۴م: ۳۷؛ البخاری، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۳۴؛ العقاد، ۱۳۵۸: ۱۳۴	حق احترام و تکریم
بو داوود، ۲۰۰۰م، ج ۲: ۲۳۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۲۳۷؛ البخاری، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۱۹۷۴ و ج ۶: ۲۵۴۷	حق انتخاب و اختیار در ازدواج
ابن ماجه، ۱۴۳۵ق: ج ۱: ۶۳۸-۶۳۹	حق حفاظت از خشونت
متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶: ۳۱۳ و بیهقی، بی تا، ج ۷: ۱۲۳	حق برخورداری از مشورت
ممتحنه: ۱۲؛ آیتی، ۱۳۶۲: ۳۲۴ و ۳۲۶؛ کاتب واقدی، ۱۳۸۲، جلد ۸: ۱-۴.	حق مشارکت سیاسی- اجتماعی

۳-۴ حقوق شهروندی و تبعیض مثبت به زنان در تعالیم اسلامی

تبعیض مثبت^۱، تخصیص سهمیه یا تبعیض جبرانی به معنی در پیش گرفتن سیاست و روشی برای اصلاح رویه‌های تبعیض آمیز در حق گروه‌هایی است که در طول تاریخ، از برخی یا بسیاری مزیت‌های اجتماعی بی‌بهره مانده‌اند (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). تبعیض مثبت به عنوان یکی از شیوه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی سابقه‌چندانی در مکاتب اومانیستی ندارد، اما با نگرشی به

^۱ positive discrimination

مجموعه تعالیم اسلامی درمی‌یابیم که سفارشات گسترده‌ای نسبت به زنان شده‌است که آنها را می‌توان نوعی تبعیض مثبت به نفع زنان تلقی نمود. تبعیض مثبت نه تنها منافاتی با حقوق شهروندی ندارد بلکه راهکاری برای جبران رویه‌های تبعیض آمیز و تحقق حقوق شهروندی برابر است. در زیر به برخی از موارد آن اشاره می‌شود.

۱-۳-۴. تقدم زنان و دختران در مال بخشیدن، سوغاتی و ارمغان بازار

پیامبر (ص) می‌فرماید: آن که بازار برود و ارمغانی بخرد و به خانه ببرد در تقسیم از دختران آغاز کند (طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۰۱)؛ و نیز می‌فرماید: «با فرزندان به مساوات رفتار کنید و اگر می‌خواهی به کسی افزون ببخشی به زنان بیشتر ببخش.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۴۸۷).

۲-۳-۴. مهربانی بیشتر خداوند بر دختران در مقایسه با پسران

امام رضا (ع) از پیامبر (ص) نقل نمود: «خداوند تبارک و تعالی به زنان مهربان‌تر از مردان است» (کلینی، ۱۳۹۳: ۷/۶/۶).

۳-۳-۴. تقدم حق مادر بر پدر

پیامبر (ص) فرمود: «هرگاه در نماز مستحبی هستی، اگر پدرت تو را خواند نمازت را قطع مکن، ولی اگر مادرت تو را صدا زد نمازت را قطع کن» (محدث نوری، ۱۳۶۶، ج ۱۵: ۱۱۸). امام باقر (ع) از حضرت موسی نقل کرد که از خداوند سه بار خواستم مرا نصیحت کند. بار اول و دوم مرا به مادرم نصیحت کرد و بار سوم به پدرم. حضرت فرمود: «به همین جهت است که برای مادر دو سوّم نیکی است و برای پدر یک سوّم» (طبرسی، ۱۳۹۲: ۱۳۸۱/۲۸۱).

۴-۴. برابری حقوق زن و مرد در فقه شیعی

یکی از ابزارهای مقابله منتقدین و معاندین اسلام، طرح این مدعا است که اسلام حقوقی فراتر از حقوق زن در ابعاد مختلف برای مرد قایل شده‌است و بدین ترتیب ارزش زن را نادیده گرفته‌است. در پاسخ به این ادعا باید گفت در هیچ یک از آیات قرآن کریم، قاعده و قانونی تبعیض آمیزی به نفع مردان بیان نشده‌است و فلسفه وجودی مواردی خاصی که منتقدان و

معاندان آنها را شاهدهی بر تبعیض جنسیتی ذکر می‌کنند در حقیقت حفظ تعادل میان حق و مسئولیت است که نه تنها دال بر تبعیض نیست بلکه عین عدالت و برابری جنسیتی است. این شبهه‌ها از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از مکاتب اومانیستی بین شباهت و برابری حقوقی تمایزی قایل نیستند. «تفاوت» مساله‌ای غیر از «تبعیض» است؛ چرا که تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌ها و استعدادها می‌باشد ولی تبعیض، ناشی از بی‌عدالتی است.

در باب حقوق معنوی قرآن مجید به صراحت بیان می‌کند «و لهن مثل الذی علیهن (بقره، ۲۲۸)؛ به عبارت دیگر هر اندازه مرد بر گردن زن حق دارد، زن نیز بر گردن مرد حق و حقوقی دارد. در مورد حقوق مادی نیز نه تنها برتری مرد بیان نشده، بلکه حتی مکتب اسلام با اعمال تبعیض مثبت در برخی موارد تلاش نموده‌است تا تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی را که در گذشته بر زنان تحمیل شده بزدايد. برای مثال این زنان هستند که در مال و اموال شوهران خود از حیث نفقه و ... حق دارند، در حالیکه مردان چنین حق و حقوقی را ندارند. همچنین زن و مرد در بسیاری از حقوق مانند انتخاب همسر، انجام برخی از معاملات مانند مضاربه و ... با هم مشترک‌اند؛ مگر در برخی از حقوق که بواسطه آیات قرآن کریم و یا روایات تخصیص خورده‌است. آیه ۳۲ سوره نساء در پاسخ به شبهات تفاوت‌های جنسیتی احکام بیان شده‌است. این تفاوت‌های جنسیتی به جهت شرایط خاص و بر اساس نظام احسن قرار داده شده‌است. در نتیجه آرزو کردن اموری که خداوند در طبیعت افراد قرار داده‌است و بر اساس آن احکام و قوانین خاصی را تشریح کرده، امری اشتباه و ناصحیح است. از طرف دیگر به رغم تفاوت‌های طبیعی مردان و زنان، آنها از آنچه بوسیله کسب و تلاش خود بدست می‌آورند محروم نمی‌شوند. بر این اساس تفاوت بین حقوق زن و مرد ناشی از سیستم خلقت بین زن و مرد متناسب با آفرینش این دو صنف است.

استاد مطهری، تساوی حقوق زن و مرد را حقیقتی مسلم دانسته است، اما تشابه و همانندی را نادرست و غیرممکن شمرده است، زیرا با توجه به ساختار آفرینشی زن و مرد و ویژگی‌ها و نیازهای جسمی و روحی آنان، حقوق مشابه، نه ممکن است و نه سزاوار، بلکه شایسته است که زن حقوق متناسب با خود را به دست آورد، و در حدودی که طبیعت زن و مرد تفاوت داشته و اقتضا می‌کند حقوق آنان نیز تفاوت داشته باشد (مطهری، ۱۳۸۱).

در زیر به تساوی حقوق زن و مرد و در معنایی دقیق‌تر تعادل حقوقی در موارد ارث، قصاص، شهادت و گواهی، طلاق، شهادت و گواهی، طلاق، قضاوت و مرجعیت در فقه می‌پردازیم:

۴-۱-۴ ارث

دفاع از حقوق مالی زنان از جمله بهره آنان از ارث یک بحث بسیار مهم از حقوق زنان است. بررسی مقایسه‌ای بررسی محرومیت‌ها و امتیازهای زن و مرد نسبت به یکدیگر از جمله در مساله ارث زن و مرد در ادیان الهی و غیرالهی و همچنین برخی تمدن‌های بزرگ و نظام‌های حقوقی با حقوق اسلام نشان می‌دهد در منظومه حقوق و تکالیف مالی حقوق اسلام عدالت تشریحی بیشتر انعکاس یافته‌است و زن از حقوق خود بیشتر بهره‌مند شده‌است (دیلمی، ۱۳۸۱).

در قرآن آمده‌است: «و لکم نصف ما ترک ازواجکم ان لم یکن لهن ولد فان کان لهن ولد فلکم الربع مما ترکن بها او دین و لهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد فان کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم من بعد وصیه یوصین بها او دین (نسا: ۱۲).

آیه مربوط به ارث قرص و محکم است و هیچ نظر مخالفی را بر نمی‌تابد. اما تفاوت در ارث مرد و زن با نظرگاه خاص اسلام در باره خانواده، قابل دفاع است. اسلام با تأکید بر نظام خانواده، نفقه و تأمین مخارج زندگی را برعهده مرد می‌گذارد. در واقع به تعبیر علامه طباطبائی، تقسیم ارث به صورتی که در فقه آمده‌است در مواقع خاص است، نه در همه موارد طبقات ارث. در موارد خاص، قرآن نوعی نظر اقتصادی دارد، به این ترتیب که: خداوند در زندگی اجتماعی چنین تقدیر کرده که مردان - اگر چه مالک دو سوم ثروتند - اما در نهایت در یک سوم تصرف می‌کنند و زنان، اگر چه مالک یک سومند، اما در نهایت در دو سوم تصرف می‌کنند زیرا یک سومی را که ارث می‌برند، از آن خودشان است، و از سوی دیگر مخارج‌شان از دو سوم سهم مرد تأمین می‌شود. اشکالی که گاه بر نظام ارث وارد می‌شود، به این شکل قابل تعدیل است؛ یعنی تا زمانی که این ساختار خانواده حفظ شود، این نظریه جواب می‌دهد و عدم تعادل و نابرابری در آن نیست (مهریزی، ۱۳۸۱: ۳). استاد مطهری نیز تفاوت ارث مرد و زن را جبرانی بر تحمیل مهر و نفقه زن بر مرد می‌داند (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۵۱).

۴-۲-۴ قصاص

قتل چه از طرف مرد و چه از طرف زن واقع شده باشد، در درجه اول حکم یرای هر یک از ایشان قصاص است (احمدیه، ۱۳۹۶: ۹). هر چند برخی از فقهای معاصر برخلاف نظر مشهور فقیهان مبنی بر عدم تساوی زن و مرد در قصاص و دیات قائل به تساوی میان آنان شده‌اند، با تحلیل انجام شده مستندات روایی مشهور که قایل به نصف بودن دیه قصاص زن است دارای اعتبار و حجیت لازم است و بیشتر فقها مانند «شیخ صدوق» در مقنع، «شیخ مفید» در مقنعه،

«سید مرتضی» در انتصار و «ابوالصلاح جلی» در کافی، «شیخ طوسی» در نه‌ایه و خلاف و «علامه حلی» و «صاحب جواهر» نیز همین نظر هستند (ابراهیمی و رستمی، ۱۳۹۸).
آیت الله جوادی دیه را مسئله صرفاً اقتصادی و تنها یک ابزار می‌داند که ملاک ارزیابی و ارزش انسان نیست. معیار ارزش بر اساس تعالیم قرآنی تقوا است (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۶). بر این اساس این تفاوت یک واقعیت تکوینی است و دلیلی بر نقصان هیچ کدام نیست.

۴-۳-۴ شهادت و گواهی

بحث ادله اثباتی شهادت زنان آیات و روایات متعددی در شرع وجود دارد و عدم پذیرش شهادت زنان، یکی از مسائلی است که به دلیل تغییر شرایط زمانی و محیطی، مورد بحث در جامعه کنونی، می‌باشد. باید گفت اصل شهادت زن مورد پذیرش همه فقها است و آیه ۲۸۲ سوره بقره به مرد بودن شاهد تصریح کرده است (ملکی و حاتم پوری، ۱۳۹۸: ۵۸).

«واستشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجلو امرأتان ممن ترضون الشهداء ان تضل احدیها فتذکر احدیها الاخری...» (بقره: ۲۸۲)؛ یعنی: اگر یکی از دو مرد حاضر نباشند، دو زن می‌توانند شهادت دهند. یعنی اگر یک زن فراموش کرد، نفر دوم آن را یادآوری کند. این آیه در مقام استیفای شهادت است نه این که همیشه دو زن معادل یک مرد باشند (جهانگیری، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

در آرای فقهای مسلمان، گستره شهادت زن و مرد یک سان نیست. شهادت زن در برخی موارد مسموع نیست و در مقابل در موارد معدودی شهادت مرد مسموع نیست، ولی شهادت زن به تنهایی برای اثبات دعوی کافی است. بعضی از حقوق آدمی، هم با شهادت مردان ثابت می‌شود و هم با شهادت زنان و هم با ترکیب از آن دو، و ضابطه آن عبارتست از هر واقعه و حادثه و چیزی که غالباً آگاه شدن مردان از آن دشوار است (موسوی خمینی، ۱۳۹۹: ۳۱۰).

به نظر می‌رسد پاره‌ای از تفاوت‌ها در شهادت زن و مرد، تا حدودی ناشی از این حقیقت ژرف باشد که ویژگی‌های روحی و نیز خصلت‌ها و خصوصیات طبیعی این دو یکسان نیستند و با توجه به این واقعیت‌های طبیعی، روحی و روانی است که در برخی موارد مانند «زنا» شهادت دو زن با شهادت یک مرد برابر شمرده شده است (حکیم پور، ۱۳۸۳: ۲۱۹).

۴-۴-۴ طلاق

در فقه و قانون مدنی، نهاد خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد و شارع و قانون گذار آزادی اراده

طرفین را در آن به سبب پیوستگی کامل حیات اجتماع به حیات خانواده محدود و موارد فسخ نکاح و طلاق را تعیین کرده است. اسلام هرگز به مرد زورگو اجازه نمی‌دهد که از حق طلاق سوءاستفاده کند و زن را به عنوان یک محبوس نگهداری کند (مطهری، ۱۳۸۱: ۳۲۲-۳۲۳). بر این اساس هرچند در موضوع طلاق به دلیل تفاوت‌های زن و مرد از حیث خلقت، طلاق اصولاً با مرد است، ولی در موارد استثنایی، طرقي برای دستیابی زن به طلاق در نظر می‌گیرند این طرق شامل وکالت بلاعزل و توکیل غیر زن در طلاق، عسر و حرج (طلاق قضایی)، خلع و مبارات می‌باشد (علایی نوین، ۱۳۸۹). وقتی مرد نتواند به نیکی با زن رفتار کند، طلاق زن بر او واجب است و زن متقابلاً حق طلاق می‌یابد و می‌تواند اجرای آن را از دادگاه بخواهد. تفسیری که با مقررات حقوق بشری در زمینه رفع تبعیض علیه زنان سازگار است (عابدی و امینی، ۱۴۰۰: ۲۱۷).

۴-۴-۵ قضاوت و مرجعیت در فقه

تصدی امر قضا موضوعی است که همواره در کانون منازعه فقیهان و متکلمین تجدیدنظرطلب و بنیادگرا قرار داشته است. دلیل فقها در ارتباط با تصدی مقام قضاوت زن یا عدم تصدی آن، آیات قرآن، روایت و اجماع می‌باشد اما حکم عدم جواز قضاوت زنان از احکام ثابت شرعی محسوب نمی‌شود، بلکه این مسئله از مسائل تفریعی اجتهادی و استنباطی فقه‌هاست. تا قرن پنجم ق، در هیچ یک از متون فقهی معتبر شیعی، مرد بودن، شرط تصدی امر قضاء نبوده است. چنان که «شیخ مفید»، «شیخ طوسی» و «ابن ادریس حلی» هنگامی که شرایط تصدی امر قضاء را احصاء کرده‌اند هیچ اشاره‌ای به شرط رجولیت نکرده‌اند. اما در بین مراجع معاصر، امام خمینی (ره) و آیت الله خویی مرد بودن را یکی از شرایط قاضی می‌دانند (وزیری و همکاران، ۱۳۹۰).

شرط رجولیت در امامت و خلافت اسلامی، مورد اتفاق همه فقه‌های مذاهب اسلامی است و رهبری زنان پذیرفته نیست؛ ولی زن می‌تواند خود مرجع تقلید خود باشد و مردان فقیه را پرورش دهد و از سیره عقلاً نیز رجوع جاهل به عالم است، بدون اینکه تفاوتی میان مرد یا زن باشد (وزیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۲).

۴-۵ وجه تمایز حقوق شهروندی زن در مکاتب غربی و اسلامی

در عصری که ایدئولوژی‌های سکولار و مادی با ارائه چهره‌ای بی‌طرف از خود، به‌استحاله

بنیادهای معرفت دینی می‌اندیشند و با شعار تقدم عقل و اندیشه فلسفی بر منابع و معرفت دینی، فرصت روی آوردن به حوزه معرفت ناب دینی را از مخاطبان می‌گیرند، بهتر آن است که با نقد ریشه‌های نظری و فکری شهروندی از دیدگاه غربی راه اندیشیدن مستقل و مستقیم به منابع اسلامی را بر مخاطبان بگشاییم. با وجود باورمندی به آموزه‌های اسلامی حقوق شهروندی زنان، در معرکه آرا و اندیشه‌های گوناگون، افرادی می‌توانند موفق شوند که با اندیشه‌های موجود این عرصه آشنا شوند و با حضور در میدان رقابت دیدگاهها، برتری دیدگاه اسلامی و کاستیهای دیدگاه رقیب را به‌خوبی تبیین کنند. این پژوهش کوششی در این راستا بود.

مکاتب غربی در ضدیت با نگاه دینی منکر تفاوت بین مردان و زنان در حقوق شهروندی هستند. اما بر اساس حقوق اسلامی به رغم تفاوت نظام طبیعی در خلقت زن و مرد نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت، چراکه هر دو دارای هویت انسانی می‌باشند و دارا بودن هویت انسانی می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصتهای شهروندی فراهم آورد و تفاوت های طبیعی مذکور تنها می‌تواند برخی استعدادهای خاص در هر دو جنس را مشخص کند.

مهمترین تفاوت مبنایی مکاتب اومانیستی با حقوق اسلامی در مقوله شهروندی زنان آن است که در مکتب اسلام حقوق شهروندی بر اساس اولویت آموزه‌های دینی قرار دارد، ولی مبنای مکاتب اومانیستی غربی به ویژه لیبرالیسم و فمینیسم، خودبسندگی زن است طوریکه در این مکاتب، حقوق زنان، ابزاری برای اثبات برتری زن و یا مقصر نشان دادن مرد تلقی شده و نیازهای زن به عنوان یک انسان فراموش می‌شود. بر این اساس حامیان اندیشه‌های متأثر از مدرنیته به ویژه فمینیسم لیبرال، تغییر دادن نقشهای ویژه و تعریف شده برای زنان را یکی از راههای دفاع از حقوق آنان می‌داند (گمبل^۱، ۲۰۰۱: ۳۰۲-۳۰۳). ولی بررسی دیدگاه اسلام نشان می‌دهد که عمل زنان به وظایف و مسئولیتهای خاص خود، منافاتی با دیگر فعالیت‌های اجتماعی و شغلی آنها ندارد. در همین راستا اسلام هم بر حقوق شهروندی در بعد حقوق اساسی، اجتماعی و زناشویی تاکید دارد.

مکتب اسلام و مکاتب اومانیستی غربی هر دو بر تکریم زن تاکید دارند اما آنچه نوع تکریم انسان را در این دو مکتب از هم متمایز می‌کند آن است که تکریم انسان در مکاتب غربی تک بعدی است. انسان به منزله قطب علم و محور همه چیز محسوب می‌شود و بنابراین هر نوع

¹ Gamble, Sarah

خواسته‌های اعم از نفسانی یا عقلانی از سوی انسان، اصل قرار می‌گیرد، در مقابل به خواسته‌های الهی یا وحیانی توجهی نمی‌شود (مظفری، ۱۳۹۰).

عدم توجه مکاتب غربی به تفاوت‌های فردی و جنسیتی در حقوق شهروندی موجب می‌شود که زنان آسیب‌های جدی روحی و روانی و جسمی را در زندگی فردی و اجتماعی متحمل شوند. اما در رویکرد اسلامی به تفاوت‌های فردی و جنسیتی به ویژه در حقوق شهروندی توجه جدی می‌شود؛ در نتیجه دیدگاه اسلامی از امتیازهای بالاتری برای حفظ حقوق زن و احیای کرامت او در عرصه حقوق شهروندی برخوردار است.

۵- نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی زنان در نیم قرن اخیر منشاء و سرآغاز مباحثی جدی بوده‌است. بیداری زنان و افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها نیز در این میان دامنه این مباحث را گسترش داده است. در نتیجه حفظ شان و جایگاه زنان مدعایی است که مکاتب مختلف بر سر آن رقابتی تمام نشدنی با همدیگر دارند. در این میان مکتب اسلام با رویکردی مبنی بر فقه پویا توانسته‌است با واقع‌بینی نگاه انسانی و متعادل به زنان داشته باشد و حقوق آنها را در حوزه شهروندی محقق سازد. زن در اسلام دارای حقوق اجتماعی عام و خاص می‌باشد. اسلام، حقوق گوناگون زن که در طول تاریخ، سنتها، آداب و رسوم آن را خاص مرد می‌دانست، به وی برگرداند، مساوات و تعادل برهم خورده را دوباره برقرار کرد.

حقوق شهروندی اسلامی بنا بر اصل مساوات تعریف شده‌است مگر آنکه بنا به مصلحت، استثنایی وارد شده باشد. این اصل از نظر اعطای حقوق زن و به رسمیت شناختن آن اصل بسیار مهمی است. حقوق زن از نوع حقوق قراردادی نیست، بلکه از نوع حقوق فطری و طبیعی نشأت گرفته و از جنسیت و ذات اوست (وزیری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

تحلیل محتوای آیات قرآنی با محوریت حقوق شهروندی زنان نشان می‌دهد که این حقوق شامل سه بعد حقوق اولیه، حقوق اجتماعی و حقوق زناشویی است. حقوق اولیه شامل حق حیات و زندگی، حق تکریم و شخصیت، و حق آزادی است. حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، حق حفظ آبرو و کرامت انسانی، حق نظارت اجتماعی، حق الگو بودن می‌شود. حقوق شهروندی زنان در بعد زناشویی شامل حق مسکن، حق نفقه، حق مهریه، حق طلاق و حق محبت همسر است.

با تعمیق در زندگی و سیره عملی و نظری پیام اکرم (ص) حقوق شهروندی زنان را می‌توان در مواردی چون حق احترام و تکریم، حق انتخاب و اختیار در ازدواج، حق حفاظت از خشونت، حق برخورداری از مشورت و حق مشارکت سیاسی-اجتماعی مشاهده نمود.

همچنین تبعیض مثبت به نفع زنان عنوان یکی از شیوه‌های سیاستگذاری اجتماعی در مجموعه تعالیم اسلامی با عدم منافات با حقوق شهروندی راهکاری برای جبران رویه‌های تبعیض آمیز و تحقق حقوق شهروندی برابر است که از جمله آنها تقدم زنان و دختران در مال بخشیدن، سوغاتی و ارمغان بازار؛ مهریانی بیشتر خداوند بر دختران در مقایسه با پسران؛ تقدم حق مادر بر پدر اشاره نمود.

شبهات وارد بر رویکرد فقه شیعی به برابری حقوق زن و مرد از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از مکاتب اومانیستی بین شباهت و برابری حقوقی تمایزی قابل نیستند. این تفاوت‌ها باعث می‌شود هر یک از زن و مرد وظایف خاصی را عهده دار شوند. از دیدگاه استاد مطهری این مساله با عدالت و حقوق فطری سازگار است و سعادت انسان با چنین منطبق هماهنگ با آفرینش تأمین می‌شود، زیرا زن و مرد با توانایی‌ها و نیازهای متفاوتی که از طبیعت گرفته اند در عرصه اجتماعی، خانواده و... ظاهر می‌شوند، بنابراین با سندهایی که قانون طبیعی و چگونگی آفرینش به زن و مرد داده، حقوق هر یک مشخص می‌شود (مطهری، ۱۳۸۱). این مساله را به عینه می‌توان در مسایل مختلفی چون ارث، قصاص، شهادت و گواهی، طلاق، شهادت و گواهی، طلاق، قضاوت و مرجعیت در فقه تحلیل نمود. بر اساس معیارهای قضاوت برون دینی و تحلیل‌های عقلی و بررسی پیامدها، علل برتری رویکرد اسلامی به مساله حقوق شهروندی زنان باید در واقع‌بینی، نگاه فراجنسیتی، جامعیت و همه‌جانبه‌نگری، نگاه انسانی به زن، تعادل در نگاه و بهره گرفتن از دین جستجو نمود. بر این اساس در تدوین منشور حقوق شهروندی زنان می‌توان از آموزه‌های اصیل اسلامی بهره گرفت و آن را به عنوان الگویی برای بهره مندی حقوقی دیگر مکاتب معرفی نمود.

منابع

۱. قران کریم.
۲. ابراهیمی، علیرضا؛ رستمی، علیرضا (۱۳۹۸). «بررسی روایات مورد استنادی مشهور فقیهان در عدم تساوی زن و مرد در قصاص و دیات»، حدیث پژوهی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص

۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۲ق). *مسند الامام (جلد ۱۰)*، بیروت، دارالصادر.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۳۵ق) *سنن ابن ماجه*، قاهره مصر، دار التناویل.
۵. احمدیه، مریم؛ حبیبی تبار، جواد (۱۳۹۶). «سیاست جنایی اسلام در مجازات قصاص مرد در قتل زن»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۵، شماره ۲، صص ۹-۳۰.
۶. اربلی، ابی الفتح (۱۴۲۷ق). *کشف الغمه فی معرفه الائمه (ع) (جلد دوم)*، [بی جا]، مکتبه الحیدریه.
۷. اسدالهی، محمدرضا (۱۳۸۶). «ماهیت نفقه زن در اسلام»، *همایش زن در نظام حقوقی اسلام*، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا.
۸. آناهید فاطمه (۱۳۸۶). «بررسی فقهی مهریه زن و فلسفه آن در نظام حقوقی اسلام»، *همایش زن در نظام حقوقی اسلام*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، شورای پژوهشی زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا.
۹. آیتی، محمدابراهیم؛ (۱۳۶۲). *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. البخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۸ق). *الصحيح البخاری (جلد ۵ و ۶)*، بیروت، دار الفکر.
۱۱. بدران، عبدالقادر؛ (۱۴۰۷). *تهذیب تاریخ دمشق*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. بو داوود، سلیمان بن اشعث (۲۰۰۰م). *سنن ابی داوود (جلد دوم)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. بیهقی، احمد بن حسین (بی تا). *سنن الکبری (جلد ۸)*، بیروت، دارالفکر.
۱۴. جهانگیری، محسن (۱۳۸۵). *بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد، قم*، بوستان کتاب قم.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۱ق). *وسائل الشیعه*، تهران، کتابخانه اسلامی، چ چهارم.
۱۶. حکیم پور، محمد، (۱۳۸۲) *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*، تهران، نغمه نو اندیش.
۱۷. حلّی، ورام بن ابی فراس (۱۴۱۰ق). *تنبیه الخواطر و نزهة النواظر*، قم، مکتب فقیه.
۱۸. دیلمی احمد (۱۳۸۱). «مطالعه تطبیقی ارث زن»، *نامه مفید*، دوره ۸، شماره ۲۹ (حقوق)، صص ۹۵-۱۱۶.
۱۹. سلطانی‌وش، اسماعیل (۱۳۸۱). *هتک حرمت مسکن در نظام کیفری ایران و فقه*، تهران، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
۲۰. ساخت، یوزف (۱۳۸۸). *دیباچه‌ای بر فقه اسلامی*، ترجمه اسدالله نوری، نشر هومس.
۲۱. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۶). «فقیه تطبیقی استدلالی: دیه و قصاص زنان»، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

۲۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۸ ش). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، انتشارات رضی.
۲۳. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۹۲). *مشکاه الانوار فی غرر الاخبار*، مترجمان: عبدالله محمدی، مهدی هوشمند، قم، دار الثقلین.
۲۴. الطبری، هجرب الدین احمد بن عبدالله (۱۹۷۴ م). *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، بیروت، دارالمعرفه.
۲۵. طوسی، محمد (۱۴۱۴). *الامالی*، قم، دارالثقافه.
۲۶. عابدی، محمد؛ امینی، اعظم (۱۴۰۰). «حق طلاق زنان: حکم شرعی، ضرورت حقوق بشری»، *حقوق بشر*، دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۳۱)، صص ۲۱۷ - ۲۳۴.
۲۷. عامر طائی، عبدالله بن احمد (۱۴۰۸ ق). *صحیفه الإمام الرضا علیه السلام*، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف.
۲۸. العقاد، عباس محمود؛ (۱۳۵۸). *راه محمد*، مترجم اسدالله مبشری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۹. علایی نوین، فروزان (۱۳۸۹). «بررسی حق طلاق زنان در فقه امامیه و حقوق موضوعه»، *مطالعات قرآنی (فدک، فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی)*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۷ - ۱۲۷.
۳۰. فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱). *نظریه رفاه (سیاست اجتماعی)*، ترجمه، هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی تأمین اجتماعی.
۳۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). «ساز و کار «تبعیض مثبت» به مثابه ابزار محرومیت زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره ۳، شماره ۳ (پیاپی ۱۳)، صص ۱۱۵ - ۱۴۱.
۳۲. فلاح احمدچالی (بابلی)، حسن (۱۳۸۶). «فلسفه واگذاری حق طلاق به مردان»، *همایش زن در نظام حقوقی اسلام*، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا.
۳۳. فیض، علیرضا؛ حسینی سمنانی، بتول (۱۳۸۷). «بررسی عوامل پویایی فقه»، *پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی*، شماره اول، صص ۹۷ - ۱۳۳.
۳۴. کاتب واقدی، محمد بن سعد (۱۳۸۲). *الطبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). *اصول کافی*، ترجمه حسین استاد ولی، قم، دار الثقلین.
۳۶. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۳ ق). *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۷. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۳). *بحار الانوار*، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۳۸. محدث نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۶). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، موسسه آل البيت (ع).
۳۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، *نظام حقوق زن در اسلام*، قم: انتشارات صدرا.
۴۱. مظفری، آیت (۱۳۹۰). «تکریم انسان از منظر اسلام و لیبرالیسم»، *مجله انسان پژوهی دینی*، سال هشتم، شماره ۲۵، صص ۱۱-۱۲۵.
۴۲. ملکی، مصطفی؛ حاتم پوری، نفیسه (۱۳۹۸). «واکاوی آیات و روایات ادله اثباتی شهادت زن»، *دانش حقوق مدنی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۵۸ - ۶۸.
۴۳. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۹۹). *ترجمه تحریر الوسیله حضرت امام خمینی (ره) (دوره چهارم جلدی)*، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، ناشر دفتر انتشارات اسلامی.
۴۴. مهریزی، مهدی (۱۳۸۱). «فقه، زن و حقوق بشر در گفت و گو با مهدی مهریزی»، *نشریه خردنامه همشهری*، شماره ۱۹، صص ۳-۴.
۴۵. میرباقری طباطبایی مهرآبادی، فاطمه سادات؛ خزائی، احمدرضا (۱۳۹۷). «واکاوی نقش تکامل حقوق شهروندی اسلامی در بلوغ فرهنگی شهروندان»، *حقوق پزشکی*، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۳۷ - ۱۵۴.
۴۶. نش، کیت (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت*، مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران، کویر
۴۷. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۴۱۱). *مستدرک الوسائل*، قم، موسسه آل البيت (ع) لایحه التراث.
۴۸. وزیر، مجید؛ نوری، عزیزه؛ علیایی، شاولد (۱۳۹۰). «بررسی سیر تحولات تاریخی حقوق اجتماعی زن در باب قضاوت و مرجعیت در فقه»، *کتاب نقد*، شماره ۵۹ و ۶۰، صص ۱۸۱-۲۵۰.
49. Busssemaker, J. and Voet, R. (1999). "Citizenship and Gender: Theoretical Approaches and Historical Legacies", *Critical Social Policy*, 18(3): 227-307.
50. Gamble Sarah (2001). *The Routledge Companion to Feminism and Postfeminism*, London and New York: Routledge.
51. Marshall, T.H. (1964). *Class, citizenship and Social Development*. London: Pluto.

52. McClain, Linda C. and Joanna L. Grossman. (2009). *Gender Equality: Dimensions of Women's Equal Citizenship*, Cambridge University Press.
53. O'Connor, Julia S. (2015). "Gender, Class and Citizenship in the Comparative Analysis of Welfare State Regimes: Theoretical and Methodological Issues", *The British Journal of Sociology*, Vol. 44, No. 3, pp. 501-518.
54. Pascal, G. (1986). *Social Policy: A New Feminist Analysis*, London: Routledge.
55. Vogel, U. (1991). *Is Citizenship Gender Specific?* In Vogel, U. and Moran, M. (eds) *The Frontiers of Citizenship*, Basingstoke: Macmillan-Palgrave.



A Review of Women's Rights of Citizenship with Emphasis on Shiite Jurisprudential Teachings

Vali Allah Safari^{*}
Mohammad Reza Ayati^{**}
Asghar Arabian^{***}

Abstract

To include women for citizenship rights is an important matter and it has been a subject of serious discussions in various schools. In the present research, after gathering related and relevant data from jurisprudential texts, Islamic approach to the women's rights of citizenship were explored and analyzed. The results showed that, in Islam, the women's rights of citizenship are of three aspects including primary rights, social rights and marital rights. Also, positive discrimination in favor of women is one of the social policymaking methods in Islamic Teachings as a solution for compensation for discriminative behaviors and realization of the women's rights of citizenship. Ambiguities ascribed to Shiite jurisprudential approach regarding equal rights to women and men results from the fact that many humanistic schools don't believe in distinctions between the similarities between women's and men's rights and the equality of those rights. This point can be analyzed in various issues such as heritage, punishment, testimony, divorce, judgment, and authority. Due to superiority of Islamic approach, in developing the women's rights of citizenship its teachings can be followed and introduced as a model for legal schools.

Key Words

Rights of citizenship, Women, Islam, Shiite jurisprudence, Quran

^{*} Ph.D student of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. safari261@yahoo.com

^{**} Professor of Department of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Supervisor and Corresponding Author):smrayati@yahoo.com

^{***} Associate professor of Department Private Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (supervisor): arabian42@gmail.com